

آینده‌نگاری تحولات جمعیتی در ایران



♦ دکتر زهرا سلطانی

دانش‌آموخته دکتری جمعیت‌شناسی دانشگاه تهران

زندگی بدو تولد کشور ما؛ یعنی متوسط سال‌هایی که انتظار می‌رود یک فرد از لحظه تولدش زندگی کند، تقریباً دو برابر شده است و ما توانسته‌ایم به‌واسطه ارتقای سطح زندگی افراد و بهبود خدمات درمانی و بهداشتی، مرگومیر را در نسل‌های اخیرتر جمعیت ایرانی به تأخیر بیندازیم. وقتی چنین تحولی در سطح افراد رخ می‌دهد، باعث می‌شود که در سطح کلان‌تر، تعداد مرگومیرهای کل جمعیت، دهه به دهه کمتر شده و بویژه طی دهه‌های ۱۹۹۰، ۲۰۰۰ و ۲۰۱۰، به کمترین میزان تجربه شده در طول تاریخ ایران برسد که در تصویر شماره (۲) قابل مشاهده است. فارغ از نوسانات مقطعی متأثر از کرونا در هر دو شاخص امید زندگی و تعداد مرگومیر جمعیت، در بازه زمانی ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۲، با توجه به اینکه شیب افزایشی امید زندگی رو به کاهش است؛ یعنی محدودیتی برای به تعویق انداختن مرگومیر در نسل‌ها وجود دارد و همین‌طور به این دلیل که تعداد سالخوردگان جمعیت رو به افزایش است، پیش‌بینی می‌شود که طی دهه‌های آتی، شاخص مرگومیر به ازای هر ۱۰۰۰

اصولاً موتور محرک تمامی تحولات جمعیتی در هر مرز جغرافیایی، تغییرات چهار متغیر اصلی است؛ مرگومیر که از تعداد جمعیت می‌کاهد، ولادت که بر تعداد جمعیت می‌افزاید، مهاجرت که ممکن است از جمعیت بکاهد یا بر جمعیت بیفزاید و یا توزیع جمعیت را تغییر دهد و همچنین ساختار سنی که می‌تواند به‌شدت بر روند تغییرات هر سه متغیر دیگر اثر بگذارد و یا از آن‌ها تأثیر بپذیرد؛ بنابراین در این نوشتار به‌منظور آینده‌نگاری تحولات جمعیتی ایران، تمرکز بر ارائه تصویری از روندهای گذشته و آتی این متغیرها خواهد بود و در کنار آن تحولات رشد جمعیت ایران نیز مرور خواهد شد. بررسی چنین روندهایی کمک می‌کند تا درک بهتری از چالش‌ها و فرصت‌هایی پیش روی ایران به‌واسطه تحولات جمعیتی داشته باشیم و برنامه‌ریزی مناسب‌تری را برای مواجهه با تغییرات جمعیتی و یا تأثیرگذاری بر تحولات جمعیتی انجام دهیم.

نفر جمعیت از کمترین مقدار تجربه شده در دهه‌های گذشته یعنی ۵ یا ۶ در هزار نفر جمعیت فاصله گرفته و تا حدود سی سال دیگر به سطوح بالاتر از ۱۰ مرگ به ازای هر ۱۰۰۰ نفر جمعیت برسد. در تصویر شماره (۳) نیز تحولات فرزندآوری در ایران به تصویر کشیده شده است و ما می‌توانیم به‌خوبی مشاهده کنیم که چگونه از دهه ۱۹۵۰ تا اواسط دهه ۱۹۸۰ میلادی، شاخص میانگین تعداد فرزندان یک زن به معنی تعداد متوسط تعداد فرزندان که انتظار می‌رود یک زن تا پایان دوره فرزندآوری خود به دنیا آورد، بالاتر از ۶ فرزند بوده است. تجربه‌ای که عموماً به‌صورت بالا بودن تعداد خواهر و برادرهای نسل‌های قدیمی‌تر، برای ما ملموس است. البته این شاخص با یک شیب بسیار تند طی دو دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ رو به کاهش می‌گذارد و طی دو دهه اخیر در سطح کمی پایین‌تر از ۲ فرزند به ازای هر زن ثابت می‌ماند. همان‌طور که در تصویر شماره (۳) مشاهده می‌شود، طی

در آخرین پیش‌بینی‌های مرکز آمار ایران در محتمل‌ترین سناریوی جمعیتی، از شدت رشد جمعیت به‌شدت کاسته شده، به‌طوری‌که در فاصله سال‌های ۱۴۰۰ تا ۱۴۱۰، حدود ۶ میلیون نفر و ۱۴۱۰ تا ۱۴۲۰، حدود ۳ میلیون نفر و از ۱۴۲۰ به بعد کمتر از یک میلیون نفر به جمعیت کشور اضافه می‌شود و در همین بازه زمانی رشد جمعیت کشور متوقف می‌شود.

تحولات روندهای مرگومیر و فرزندآوری در ایران

تغییراتی که ما در دهه‌های گذشته، تجربه کرده‌ایم به‌شدت متأثر از تحولات مرگومیر و موالید بوده و نیاز است که در ابتدا بر تحولات این متغیرها متمرکز شویم.

همان‌طور که در تصویر شماره (۱) قابل مشاهده است، بر اساس داده‌های منتشر شده توسط سازمان ملل (۲۰۲۲)، طی هفتاد سال گذشته (از ۱۹۵۰ تا ۲۰۲۰) امید

سنی تجربه می‌کنند.

بر اساس آنچه بررسی شد، کشور ایران پیش از دهه ۱۹۵۰، به واسطه کاهش سطح مرگ‌ومیر، وارد مرحله گذار جمعیتی شده بود، اما با یک تأخیر نسبتاً طولانی، از دهه ۱۹۸۰ به بعد، گذار باروری خود را با شیب تندی آغاز نمود. بنابراین کشور ایران رشد جمعیت قابل توجهی را در یک بازه زمانی طولانی تجربه نمود و

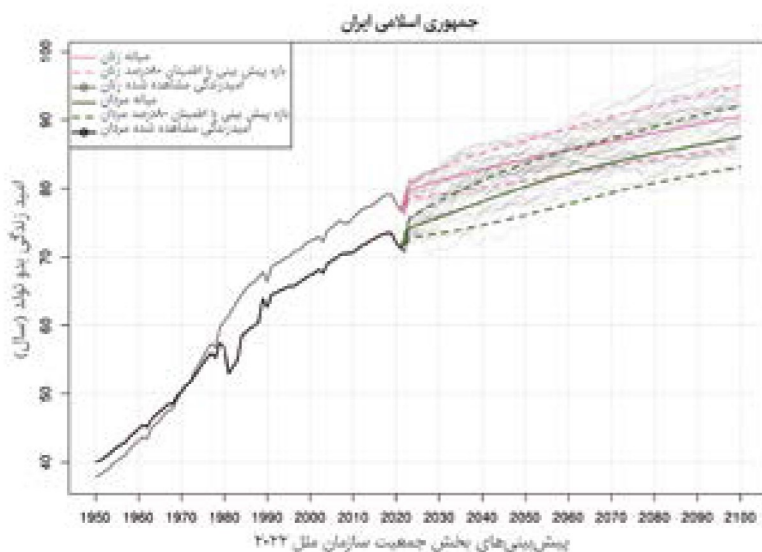
پس از طی یک بازه زمانی، آن جامعه به یک تعادل جمعیتی جدید که در آن مرگ و میرها و تولدها پایین است، می‌رسد. اما مهم است که بدانیم طی فرایند گذار جمعیتی و تا تحقق تعادل ارادی بین میزان‌های پایین ولادت و مرگ، جمعیت‌ها افزایش بی‌سابقه‌ای را در حجم خود یا آنچه با عنوان رشد جمعیت می‌شناسیم و همچنین تغییرات بی‌سابقه‌ای را در ساختار

سال‌های آتی محتمل‌ترین پیش‌بینی از وضعیت فرزندآوری زنان در ایران به‌طور متوسط ۱٫۶ تا ۱٫۷ فرزند به ازای هر زن می‌باشد. این شاخص کمتر از باروری نرخ جانشینی یعنی ۲٫۱ فرزند به ازای هر زن می‌باشد (در جمعیت‌شناسی اصولاً شاخص باروری نرخ جانشینی به این‌گونه تعبیر می‌شود که اگر به ازای هر زن در نسل فعلی بتواند یک دختر متولد شود که بتواند به سنین فرزندآوری رسد، آن زن خود را جانشین کرده است؛ بنابراین برآورد شده است در شرایطی که تحولات ساختار سنی تعیین‌کننده نباشد، اگر هر زن به‌طور متوسط ۲٫۱ فرزند به دنیا بیاورد، جانشینی نسل اتفاق افتاده است).

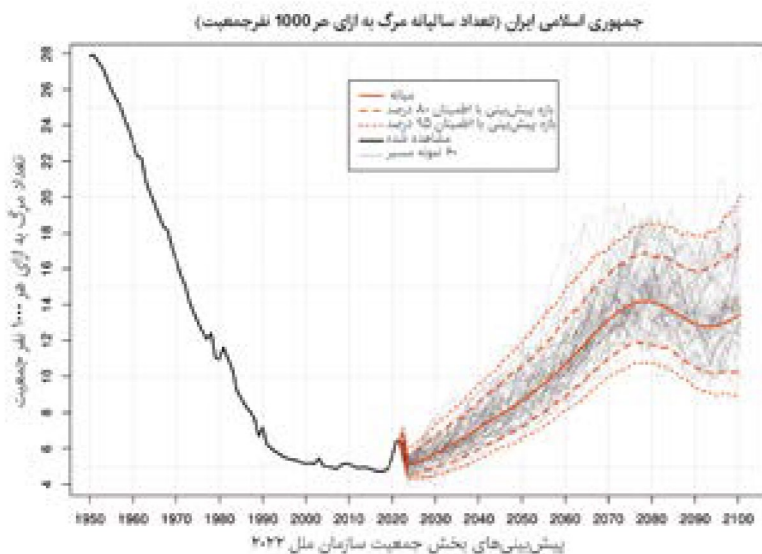
در سطحی بالاتر از سطوح فردی اما تعداد مولید به ازای هر زن تنها به شاخص متوسط تعداد فرزندان هر زن بستگی ندارد، بلکه به شدت از ساختار سنی نیز تأثیر می‌پذیرد و بنابراین همان‌طور که در تصویرهای شماره (۳) و (۴) مشاهده می‌شود، حتی در دهه‌های ۲۰۰۰ و ۲۰۱۰ که باروری در سطوح جانشینی یا زیر نرخ جانشینی بوده است نیز تعداد مولید از تعداد مرگ‌ومیرها به ازای هر ۱۰۰۰ نفر جمعیت بیشتر بوده است، اما به‌واسطه تحولات ساختار سنی، سالخوردگی جمعیت و بنابراین کاهش درصد زنان در معرض فرزندآوری در سال‌های پیش رو که نرخ شاخص متوسط فرزندان به ازای هر زن در سطوحی حدود ۱٫۶ تا ۱٫۷ فرزند ثابت می‌ماند، تعداد مولید رو به کاهش خواهد بود.

تحولات رشد جمعیت در ایران

تمامی تحولاتی که در حوزه مرگ‌ومیر و فرزندآوری ایران مرور شد، با مهم‌ترین نظریه دانش جمعیت‌شناسی یعنی نظریه گذار جمعیتی قابل توجیه است. نظریه گذار جمعیتی توضیح می‌دهد که چگونه تعادل طبیعی بین میزان‌های بالای ولادت و مرگ در یک جامعه به هم می‌خورد و



تصویر شماره (۱): تحولات شاخص امید زندگی بدو تولد ایران از ۱۹۵۰ تاکنون و پیش‌بینی روندهای آتی شاخص (به تفکیک زنان و مردان)



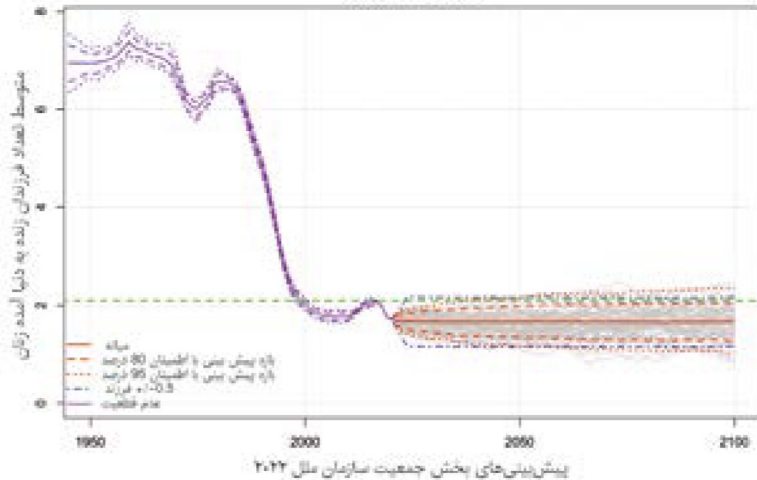
تصویر شماره (۲): تحولات شاخص تعداد مرگ به ازای هر ۱۰۰۰ نفر جمعیت ایران و پیش‌بینی روندهای آتی شاخص

همین امر سبب شد که جمعیت ایران از حدود ۱۰ میلیون نفر در سال ۱۳۰۰ هجری شمسی به حدود ۸۰ میلیون نفر در سال ۱۳۹۵ افزایش یابد، اما این روند رو به رشد جمعیت در سال‌های پیش رو تغییر خواهد کرد. یعنی همان‌طور که در جدول شماره یک قابل مشاهده است، در آخرین پیش‌بینی‌های مرکز آمار ایران در محتمل‌ترین سناریوی جمعیتی، از شدت رشد جمعیت به شدت کاسته شده، به طوری که در فاصله سال‌های ۱۴۰۰ تا ۱۴۱۰، حدود ۶ میلیون نفر و از ۱۴۱۰ تا ۱۴۲۰، حدود ۳ میلیون نفر و از ۱۴۲۰ به بعد کمتر از یک میلیون نفر به جمعیت کشور اضافه می‌شود و در همین بازه زمانی رشد جمعیت کشور متوقف می‌شود.

تحولات ساختار سنی ایران

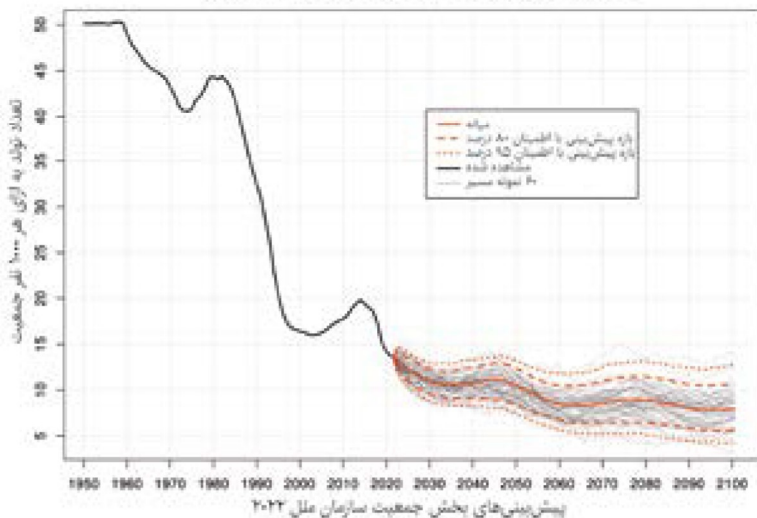
همان‌طور که در تصویر شماره (۵) می‌توان مشاهده نمود، در گذشته، ساختار سنی جمعیت ایران به شکلی بود که عمده جمعیت را افراد جوان تشکیل می‌دادند و هزینه‌های مرتبط با امکانات بهداشتی و آموزشی سنین پایین بار مالی زیادی را به نسل‌های دیگر وارد می‌کرد، اما با گذر زمان و از اواسط دهه ۱۹۸۰ میزان مولدین کاهش یافته و همین امر سبب شد که هم‌اکنون عمده جمعیت در سنین کار و جمعیت، جوانی و میان‌سالی قرار داشته باشند. چنین وضعیتی که تحت عنوان پنجره جمعیتی شناخته می‌شود، فرصت

جمهوری اسلامی ایران

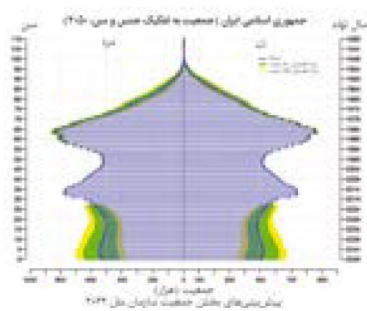
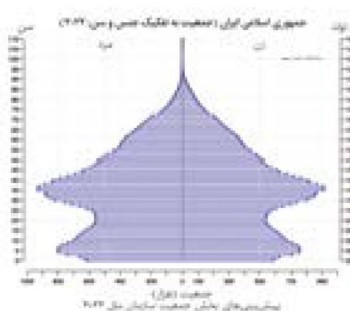
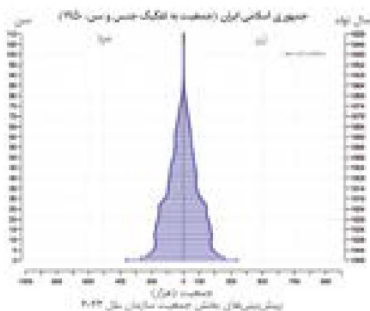


تصویر شماره (۳): تحولات شاخص میانگین تعداد فرزندان به ازای هر زن و پیش‌بینی روندهای آتی شاخص

جمهوری اسلامی ایران (تعداد سالانه تولد به ازای هر ۱۰۰۰ نفر جمعیت)



تصویر شماره (۴): تحولات شاخص تعداد مولدین به ازای هر ۱۰۰۰ نفر جمعیت ایران و پیش‌بینی روندهای آتی شاخص



تصویر شماره (۵): هرم سنی-جنسی جمعیت ایران در گذشته، حال حاضر و آینده

با بحران‌های سیاسی جدی روبه‌رو بوده است، پذیرای مهاجرین خارجی در کشور بوده است. بر اساس آمار منتشر شده توسط رصدخانه مهاجرت ایران و به استناد داده‌های سازمان ملل تا سال ۲۰۲۰، تعداد مهاجران ایرانی در خارج از کشور، حدود ۲ میلیون نفر و تعداد مهاجرین اتباع خارجی در ایران حدود دو میلیون و هشتصد هزار نفر بوده است. البته به نظر می‌رسد که آمار واقعی مهاجران، بسیار بیشتر از آمار رسمی موجود باشد و با توجه به اینکه تغییر جدی در محرک‌های مهاجرت ایرانیان به خارج از کشور و مهاجرت‌های اتباع خارجی به ایران دارد، احتمال به نظر نمی‌رسد، جریان مهاجر فرستی از ایران و جریان مهاجرپذیری در ایران ادامه داشته و یا حتی تشدید شود.

چالش‌ها و فرصت‌های پیش روی جمعیت ایران

بر اساس آنچه مرور شد، قرارگیری در پنجره جمعیتی و ضرورت استفاده از این فرصت جمعیتی، ظرفیت سرمایه‌های انسانی فعلی و استفاده از این ظرفیت‌ها برای پیشبرد اهداف توسعه اقتصادی و اجتماعی می‌تواند به‌عنوان مهم‌ترین دغدغه جمعیتی حال حاضر کشور تلقی شود. با این وجود، اصلی‌ترین مؤلفه‌های تحولات آتی جمعیت در ایران، شامل باروری زیر نرخ جانشینی، بالارفتن میزان مرگ‌ومیرها، توقف رشد جمعیت، سالخوردگی جمعیت، زنانه شدن نسبت سالخوردگی جمعیت و همچنین تعیین‌کننده شدن نقش مهاجرت در سیمای جمعیت ایران خواهد بود و با توجه به این مؤلفه‌ها، چالش‌ها و فرصت‌های پیش روی جمعیت ایران را می‌توان به شرح زیر معرفی نمود:

کاهش باروری می‌تواند فرصت‌هایی را برای ایران به همراه داشته است؛ فرصت‌هایی نظیر ترسیم سیمایی از یک جمعیت کوچک‌تر، اما پایدار، برطرف شدن مشکلات ناشی از تراکم بیش از اندازه

جدول شماره (۱): پیش‌بینی‌های مرکز آمار ایران از محتمل‌ترین سناریوهای جمعیت کشور تا سال ۱۴۳۰ (جبران کاهش باروری پس از دوره کرونا و ادامه کاهش شیب ملایم باروری تا ۱,۶ فرزند به ازای هر زن)

سال	تعداد جمعیت (هزار نفر)
۱۳۹۵	۷۹۹۲۶
۱۴۰۰	۸۴۰۵۵
۱۴۰۵	۸۷۱۳۴
۱۴۱۰	۸۹۵۸۰
۱۴۱۵	۹۱۴۴۶
۱۴۲۰	۹۲۸۳۸
۱۴۲۵	۹۳۶۸۳
۱۴۳۰	۹۳۶۳۲

و مهاجرت‌های اتباع خارجی به ایران نیز یکی از عوامل تعیین‌کننده تحولات جمعیتی جامعه ایرانی می‌باشد. طی سال‌های اخیر به دلیل فشارهای اقتصادی و در جستجوی زندگی بهتر، مهاجرت از ایران بویژه در میان جوانان تحصیل‌کرده افزایش یافته است و همچنین ایران به‌واسطه هم‌جواری با کشور افغانستان که طی سال‌های اخیر

بر اساس آمار منتشر شده توسط رصدخانه مهاجرت ایران و به استناد داده‌های سازمان ملل تا سال ۲۰۲۰، تعداد مهاجران ایرانی در خارج از کشور، حدود ۲ میلیون نفر و تعداد مهاجرین اتباع خارجی در ایران حدود دو میلیون و هشتصد هزار نفر بوده است. البته به نظر می‌رسد که آمار واقعی مهاجران، بسیار بیشتر از آمار رسمی موجود باشد.

بسیار مناسبی است که کشور بتواند از ظرفیت نیروی جوان استفاده کرده و سرمایه‌ها را صرف توسعه زیرساخت‌ها و رشد اقتصادی کشور کند، اما باید توجه داشت که این فرصت پایدار نیست و در آینده با ورود همین نسل متورم به سنین سالخوردگی، ایران سالخوردگی جمعیت را تجربه خواهد کرد. در کنار تجربه سالخوردگی جمعیت، در طول سال‌های آینده پیش‌بینی می‌شود که افزایش امید زندگی بدو تولد زنان بیشتر از مردان باشد و این امر سبب خواهد شد تا نسبت جنسی سالخوردگی با مرور زمان، به نفع جمعیت زنان تغییر یابد.

تحولات مهاجرت در ایران

به نظر می‌رسد که با توجه به کم‌اثرتر شدن تأثیرات دو متغیر باروری و مرگ‌ومیر، مهاجرت به اصلی‌ترین متغیر تأثیرگذار بر تحولات جمعیتی طی سال‌های پیش‌رو تبدیل شود. اصولاً با توجه به شرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، الگوهای مهاجرتی در ایران از گذشته تاکنون تحولات زیادی را تجربه کرده است و تغییر توزیع جغرافیایی کشور از جمعیتی روستایی به یک جمعیت شهرنشین را نمونه برجسته‌ای از تحولات جمعیتی مرتبط با مهاجرت‌های روستا-شهری در ایران می‌توان برشمرد. هرچند آمارهای مرتبط با مهاجرت در مرکز آمار ایران و سازمان ثبت‌احوال کشور دچار کمبودهای جدی است، اما بر اساس همین آمار ناقص نیز می‌توان دریافت که عمده جریان‌های مهاجرتی در سال‌های اخیر، مهاجرت‌های شهر به شهر بوده است و همچنین پیش‌بینی می‌شود که با توجه به تحولات ساختار سنی، جریان‌های مهاجرتی معکوس از روستا به شهر نیز در سال‌های آتی افزایش بیابد و همه این جریان‌های مهاجرتی تحولات چشمگیری را در توزیع جغرافیایی جمعیت در ایران به همراه داشته باشد. مهاجرت‌های ایرانیان به خارج از کشور



جمعیت، اصلاح و بازسازی زیرساخت‌های معیوبی که پیش‌تر باعجله و در پاسخ به رشد سریع جمعیت ساخته شده‌اند، بهبود توان بالقوه جمعیت حفاظت از محیط‌زیست و کاستن سطح نابرابری و توزیع متعادل‌تر درآمدها، چشم‌اندازی است که به‌واسطه کاهش سطوح باروری در برابر کشورمان گذاشته شده است، اما در کنار تمام این فرصت‌ها، باید به چالش‌هایی که به‌واسطه کاهش باروری، پیش‌روی کشور ایران قرار دارد توجه شود. کاهش باروری نیز زمینه کوچک‌تر شدن قاعده هرم سنی جمعیت را فراهم آورده و به این ترتیب به فرآیند انتقال ساختار سنی کمک می‌کند؛ بنابراین کشور ایران در طول سال‌های آینده با چالش‌هایی چون سالخوردگی جمعیت روبه‌رو خواهد بود که خود بر الگوی مصرف افراد جامعه تأثیر گذاشته و نیازمند افزایش هزینه‌های عمومی دولت‌ها در قسمت تأمین اجتماعی و حقوق بازنشستگان، خدمات درمانی و مراقبت از سالمندان است.

آنچه روبه‌رو شدن با مسئله سالخوردگی جمعیت را در ایران دشوار کرده است، سازوکارهای حمایتی بسیار ضعیف در جامعه برای افراد سالخورده است؛ سازوکارهایی چون تأمین سلامت عمومی و نیز کاهش وابستگی در سنین سالخوردگی. آنچه باز بر این نگرانی‌ها می‌افزاید، آن است که سیستم‌های حمایتی سنتی نیز ضعیف هستند و افراد سالخورده به‌جای اینکه نیازهایشان توسط اندوخته‌های زمان کار و فعالیتشان تأمین شود، فرزندانشان پاسخگویی به نیازهایشان را بر دوش دارند. با توجه به تعدد مسائل و نیازهای دیگری نظیر سیاست‌های جمعیتی، برنامه‌های توسعه بهداشت عمومی و نیز بهبود خدمات سیستم سلامت عمومی، گسترش بازار کار و آموزش و غیره، نیازهای سالخوردگان حداقل تاکنون کمتر موردتوجه قرار گرفته است و بعید به نظر می‌رسد طی سال‌های آتی نیز در کانون

توجه قرار گیرد. در عین حال با توجه به تغییرات نگرشی در جامعه و همچنین کاهش تعداد فرزندان نسل‌های سالخورده آتی، به نظر نمی‌رسد که سیستم حمایت سنتی از سالخوردگان حتی به‌اندازه فعلی کارآمدی داشته باشد و همه این موارد به چالش‌های پیش‌روی ایران در مواجهه با سالخوردگی جمعیت می‌افزاید. مسئله مهم دیگر آن است که زنان شدن نسبت سالخوردگی جمعیت در سال‌های آتی و همچنان الگوهای ازدواج رایج در کشور که مشوق ازدواج زنان با مردان بزرگ‌تر از خود است، سبب می‌شود که درصد بالایی از جمعیت سالخورده کشور را در آینده، زنان بیوه تشکیل دهند. عدم اشتغال زنان در طی سنین کار و فعالیت و بنابراین نداشتن بیمه و یا اشتغال نیمه‌وقت و با حداقل حقوق و بیمه بازنشستگی ناکافی، در کنار قوانین ارث‌بری سبب می‌شود که این زنان سالخورده بیوه از سرمایه کافی برای حمایت از خود برخوردار نبوده و ضرورت حمایت از آن‌ها هزینه‌های عمومی بالایی را برای دولت‌های آتی به همراه داشته باشد. به نظر می‌رسد که مناسب‌ترین گزینه

مسئله مهم دیگر آن است که زنان شدن نسبت سالخوردگی جمعیت در سال‌های آتی و همچنان الگوهای ازدواج رایج در کشور که مشوق ازدواج زنان با مردان بزرگ‌تر از خود است، سبب می‌شود که درصد بالایی از جمعیت سالخورده کشور را در آینده، زنان بیوه تشکیل دهند. عدم اشتغال زنان در طی سنین کار و فعالیت و بنابراین نداشتن بیمه و یا اشتغال نیمه‌وقت و با حداقل حقوق و بیمه بازنشستگی ناکافی، در کنار قوانین ارث‌بری سبب می‌شود که این زنان سالخورده بیوه از سرمایه کافی برای حمایت از خود برخوردار نبوده و ضرورت حمایت از آن‌ها هزینه‌های عمومی بالایی را برای دولت‌های آتی به همراه داشته باشد.

برای مواجهه با چنین پیامدهایی از یک سو اتخاذ سیاست‌هایی در راستای افزایش میزان باروری است که بتواند از شدت انتقال سنی هرم جمعیت ایران به سالخوردگی بکاهد و از سوی دیگر توانمندسازی زنان برای اشتغال و ارائه راهکارهایی که به‌طور همزمان انتخاب هر دو گزینه فرزندآوری و موقعیت کاری را برای آن‌ها فراهم آورد. سیاست‌هایی چون افزایش مرخصی زایمان، تخصیص مرخصی برای زنان شاغل به‌منظور مراقبت از فرزندان بیمار خود و تأسیس مراکزی برای نگهداری از فرزندان می‌تواند در این زمینه راهگشا باشد.

همچنین نباید از نظر دور داشت که با توجه به نقش فزاینده‌ای که مهاجرت در سیمای جمعیت ایران طی سال‌های آتی ایفا خواهد کرد، ضرورت دارد که مراکز جمع‌آوری و انتشار و تحلیل داده‌های مهاجرتی در ایران تقویت شود و چنین مراکزی بتوانند در گام‌های بعد حتی رویکردهای کلان در خصوص سیاست‌های مهاجرتی در داخل و یا خارج کشور را تعیین کنند. برای نمونه تدوین سیاست‌های مشخص‌تر در خصوص مهاجرتی اتباع خارجی در ایران شاید حتی بتواند بخشی از نگرانی‌های مرتبط با توقف رشد جمعیت و یا سالخوردگی جمعیت در ایران را طی سال‌های آتی مرتفع کند. ♦♦

منابع:

- United Nations, Department of Economic and Social Affairs, Population Division (2022). World Population Prospects 2022: Iran (Islamic Republic of)
- دفتر آمار اطلاعات جمعیتی و مهاجرتی (۱۴۰۱)، شمار رویدادهای حیاتی. بازیابی در ۱۴۰۲/۰۵/۱۱، از سازمان ثبت‌احوال کشور.
- مرکز آمار ایران (۱۴۰۰)، برآوردهای جمعیتی. بازیابی در ۱۴۰۲/۰۵/۱۱، از درگاه ملی آمار.